

سبز و سیاه

ناگفته‌هایی از زندگی سیاسی معمر قذافی
از زبان وزیر امور خارجه‌اش

مترجم: سید علی موسوی خلخالی
مقدمه: سید محمدصادق خرازی

سرشناسه	: شلقم، عبدالرحمن محمد، ۱۹۴۹ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: سبز و سیاه: مصاحبه وزیر خارجه اسبق لیبی با شبکه خبری العربیه؛ مترجم سیدعلی موسوی خلخالی؛ با مقدمه سیدمحمدصادق خرازی.
مشخصات نشر	: تهران: عظام، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۸ ص.: مصور (بخشی رنگی)؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: ۵ - ۰ - ۹۳۳۶۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا	
موضوع	: شلقم، عبدالرحمن محمد، ۱۹۴۹ - م. - مصاحبه ها
موضوع	: قذافی، معمر، ۱۹۴۲ - م.
موضوع	: Muammar, Qaddafi
موضوع	: وزیران امور خارجه -- لیبی -- مصاحبه ها
موضوع	: لیبی -- سیاست و حکومت -- ۱۹۶۹ م. -
شناسه افزوده	: موسوی خلخالی، سیدعلی، ۱۳۵۷ -، مترجم
شناسه افزوده	: خرازی، سیدمحمدصادق، ۱۳۴۲ -، مقدمه نویس
شناسه افزوده	: شبکه خبری العربیه
شناسه افزوده	: Al-arabiya News Channel
رشته های گنگ	: ۵۱۳۹۱ آ ۸ ش ۲۳۶/ DT
رده بندی درجی	: ۹۶۱/۲۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۱۰۵

سبز و سیاه

ناگفته هایی از زندگی سیاسی معمر قذافی از زبان وزیر امور خارجه اش

مترجم: سید علی موسوی خلخالی

مقدمه: سید محمدصادق خرازی

ناشر: عظام

طراح جلد: احسان حدیقه سرشت

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: تیزهوش

چاپ: کل وردی

بها: ۷۵۰۰۰ ریال

شابک: ۵ - ۰ - ۹۳۳۶۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

فهرست مطالب

۹		مقدمه
۱۵		آغاز انقلاب و اعلام جدایی ها
۲۳		دستگاه روابط عمومی قذافی
۳۱		رفتار قذافی با مقامات
۴۳		ترور امام موسی صدر
۴۹		جنگ ایران و عراق
۵۳		وحشت قذافی پس از سقوط صدام حسین
۵۵		تحویل سلاح های کشتار جمعی
۶۳		پرونده لاکربی
۶۷		تلاش قذافی برای ترور ملک عبدالله
۷۳		نقش قذافی در فعالیت های تروریستی
۷۷		قذافی و فلسطین
۸۳		قذافی و لبنان
۸۷		حکایت کتاب سبز قذافی
۹۱		قذافی و خانواده اش
۹۵		تصاویر
۱۳۵		نمایه

مقدمه

بی‌شک معمر قذافی را باید یکی از عجیب‌ترین و پیچیده‌ترین دیکتاتورهای جهان عرب و عراق دانست. کسی که در کنار ابدی امین و صدام حسین نوع خاصی از دیکتاتوری و سببیت در حکومت را رقم زدند. قذافی نه تنها خودش دیکتاتوری استثنائی بود، بلکه نظامی که تشکیل داده بود و مردمی که بر آنها حکومت می‌کرد و حتی کشوری که بر آن تسلط داشت نیز استثنائی بودند. کمتر دیکتاتور عربی را سراغ داریم که نزدیک به ۴۲ سال یک حکومت دیکتاتوری به شدت پلیسی تشکیل داده باشد و آن را بر ملتش تحمیل کرده باشد. قذافی برخاسته از جامعه‌ای بدوی و بسیار ابتدایی در لیبی بود. خود یک سرهنگ ساده بود که کینه از خاندان آل ادریس، پادشاه لیبی را در سفری به انگلیس به دل گرفت. زمانی که در کاباره‌ای در لندن قذافی دید که شاهزادگان کشورش بدمستی می‌کنند و به زعم خود پول‌های کشورش را در قمارخانه‌ها،

فسادخانه‌ها و بارهای کشورهای اروپایی حیف و میل می‌کنند، بسیار ناراحت شد و این ناراحتی تبدیل به کینه‌ای سخت در دل او شد. این کینه زمینه‌ساز انجام کودتایی در لیبی در نبود پادشاه شد. کودتایی که هیچ خونریزی‌ای در پی نداشت، بسیار ساده انجام شد و باز هم شگفتی تازه‌ای را در سرزمین لیبی رقم زد. اما هر چه این کودتا بدون خونریزی بود دوران حکومت قذافی سراسر خون و کشتار بود. اعدام‌های رعب‌آور، سرکوب شدید، خفقان مطلق، ترور مخالفان حتی در خارج از لیبی، تشکیل سازمان‌های امنیتی در سایه و گروه‌های شبه نظامی ویرانگر، زندان قذافی که اعضای آن را مزدوران خارجی تشکیل می‌دادند همگی باعث شدند تا از لیبی کشوری به شدت بسته، پلیسی و قفس‌وار ایجاد شود. مخالفان حکومت قذافی بسیار بیش از آنچه تصور می‌شد، پوسیده بود. برای همین سقوط حقیقی او در میدان انقلاب طرابلس چندان طولی نکشید. چندان قابل باور نیست که بنغازی، دومین شهر بزرگ بندری لیبی ظرف یک هفته سقوط کند و شمارش و کوس برای سقوط قذافی به سرعت آغاز شود. اما همان طور که به روی کار آمدن قذافی بسیار عجیب رخ داد کنار رفتن او از اریکه قدرت نیز به همان عجیب بود. قذافی قسم خورد که تا پای جان می‌جنگد و در این جنگ به هیچ‌کس رحم نمی‌کند. به تعهد خود عمل کرد هم خودش را به طرز عجیبی به کشش داد. در تاریخ معاصر جهان عرب بی‌سابقه بود و هم کشتار خونینی که در کشورش رقم زد و آوارگی شدیدی که به وجود آورد بی‌سابقه بودند. به گواه آمار ارگان‌های حقوق بشری سازمان ملل در پی درگیری مخالفان و موافقان قذافی تنها در شهر مصراته، سومین شهر لیبی بیش از بیست هزار نفر کشته و نزدیک به سیصد هزار نفر آواره شدند. به گونه‌ای که وقتی مخالفان موفق شدند شهر را

آزاد کنند این شهر به طور کامل خالی از سکنه شده بود. شهری که پس از مرگ قذافی به دلیل کثرت کشته شدگان در آن "شهر شهدا" نام گرفت.

۴۲ سال حکومت بر شش میلیون و ۴۰۰ هزار نفری که کشورشان در سواحل دریای مدیترانه واقع شده و بر ثروتی از نفت خوابیده‌اند، می‌بایست درآمدهای بسیاری به دنبال داشته باشد. اما شاهدیم از این دوران سیاه تنها خرابی و بی‌برتری به جا مانده است. بیکاری لیبی تا روز آخر حکومت قذافی در مرز ۳۵ تا ۴۰ درصد در نوسان بود. کمتر خانواده‌ای یافت می‌شد که یکی از اعضای آن توسط دستگاه‌های امنیتی برده و ناپدید نشده باشد. در یکی از تظاهراتی که در مقابل وزارت دادگستری لیبی برگزار شد، ده‌ها جوان ۱۵ تا ۳۰ ساله اعتراض می‌کردند که "پدرم کجاست"، آن یکی می‌گفت: "برادرم را ۱۷ سال است برده‌اند و هیچ خبری از او نداریم" دیگری می‌گفت "۳۰ سال است که مادر و پدرم ناپدید شده‌اند" و صدها مورد این چنینی دیگر. اقتصاد به شدت وابسته به نفت، تولید به طور کامل متوقف و همه چیز وابسته به واردات متاثر از ناپایداری نفتی بود. وضعیت لیبی آن چنان اسفناک بود که حتی یک بیمارستان مجهز در لیبی یافت نمی‌شد و مردم برای بیماری‌های ساده مجبور به مسافرت به کشورهای همسایه مثل تونس یا مصر بودند.

چنین تاریخی در عین حالی که تاسف دارد، خواندن هم دارد. به خصوص اگر از زبان کسی به اسم عبدالرحمن شلقم، وزیر امور خارجه‌ی لیبی و نماینده‌ی این کشور در سازمان ملل در دوران قذافی باشد. عبدالرحمن

شلقم متولد ۱۹۴۹ اوباری در منطقه‌ی الغریفه است. سال ۱۹۷۲ در رشته مطبوعات عمومی از دانشگاه قاهره فارغ‌التحصیل شد و پس از آن در کشورش در روزنامه‌ی الفجر الجدید به عنوان روزنامه‌نگار به کار مشغول شد. وی از سال ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۷۷ رئیس تحریریه‌ی این روزنامه بود. پس از آن در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ در خبرگزاری الجماهیریه لیبی فعال شد و پس از آن تا سال ۱۹۸۳ مسئول کمیسیون ملی عام رسانه‌های لیبی شد. از سال ۱۹۸۳ در وزارت امور خارجه و به عنوان دبیر کل دفتر ملی لیبی در ایتالیا سرگب شد که تا سال ۱۹۹۵ در این سمت باقی ماند. از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ مسئول کمیسیون سیاست خارجی کنفرانس ملی عام شد و پس از سال ۲۰۰۰ تا ۴ مارس ۲۰۰۹ مسئول کمیسیون ملی عام روابط خارجی و همکاری‌های بین‌المللی لیبی، ریاست همان وزارت امور خارجه) شد. در تعدیلات ۵ مارس ۲۰۰۹ از این سمت کناره‌گیری گذاشته شد و موسی کوسا به جای او تعیین شد. وی از این تاریخ تا ۱۵ فوریه ۲۰۱۱ یعنی زمانی که انقلاب لیبی آغاز شد و شلقم جدایی خود را از حکومت معمر قذافی اعلام کرد، نماینده‌ی لیبی در سازمان ملل بود.

کتاب حاضر ماحصل گفت‌وگوهای مفصل شلقم با شبکه‌ی العربیه درباره‌ی لیبی، شخص معمر قذافی، خانواده و نزدیکان او است. وی در این مصاحبه نکاتی را از رفتارهای خاص قذافی با خانواده، اعضای حکومت و حتی رهبران جهان بیان می‌کند که خواندنی است. همچنین زوایایی را از نقش قذافی در حادثه‌ی لاکربی، چگونگی تحویل سلاح‌های کشتار جمعی به غرب و ربوده شدن امام موسی صدر بیان می‌کند که تازگی دارند. العربیه

دقیقاً همان روزی که قذافی به دست انقلابیون کشته شد، مصاحبه با شلقم را بخش کرد. دیپلماسی ایرانی در ابتدا این مصاحبه‌ها را به صورت هفتگی در بیست و پنج قسمت در روزهای پنج‌شنبه منتشر کرد و اکنون پس از تکمیل آنها با ویرایش و آرایش جدیدی که در شان یک کتاب باشد به صورت کتاب منتشر کرده است.

ضمن سلسله‌ای از همکاری‌های خوش فکر و با تلاش جناب آقای سید علی موسوی خلخال‌ی که در ترجمه به هنگام این کتاب تلاش وافر کردند و هم این‌که با دقت و وسواس خاصی تحولات و مسائل و مصایب لیبی را با تحلیل‌های واقع‌بینانه برای تصویر افکار عمومی و کثیری از مخاطبان به یادگار گذاردند؛ این کتاب از سلسله کتاب‌هایی است که در آینده توسط موسسه‌ی دیپلماسی ایرانی و انتشارات عظام به یو. طبع آراسته خواهد گردید.

سید حمیدصادق خرازی